

# دو نوع برخورد متفاوت

در ونزوئلا حکومتی بر سر کار است که علیرغم اینکه از مناسبات سرمایه داری حمایت می کند و علیرغم اینکه نتوانسته و نمی تواند بندهای وابستگی اقتصادی خویش را از کنسرن ها و سرمایه های مالی امپریالیستی ببرد از نقطه نظر سیاسی این حکومت مستقل است. نمونه های حکومت دکتر محمد مصدق در ایران، سوکارنو در اندونزی، جمال عبدالناصر در مصر، بن بلا در الجزایر، النده در شیلی، آرینس در گواتمالا و نظایر آنها حکومتهایی هستند که گرچه در چنبره تارهای سرمایه مالی جهانی گرفتارند و باین مفهوم و تنها به این مفهوم از نظر اقتصادی وابسته به حساب می آیند ولی از نظر سیاسی حکومتهای مستقل محسوب می شوند زیرا تابع دیکته امپریالیستها نیستند و سیاستهای خویش را بر اساس اوامر امپریالیستها تدوین نمی کنند. البته همواره این مبارزه میان حفظ استقلال ملی و هجوم سرمایه های مالی و فشارهای سیاسی امپریالیسم وجود دارد و تا طبقات هست نیز وجود خواهد داشت ولی مسلم است که حکومتهایی که فاقد استقلال سیاسی اند سریعتر در تار و پود سرمایه جهانی گیر کرده و به امیال امپریالیستها گردن می نهند لیکن تمام این واقعیتها ناقص آن نیست که حکومتهای مستقل در جهان وجود دارند و وجود خواهند داشت. پیدایش این حکومتهای مستقل خود ثمره مبارزه طبقاتی و مبارزه ملل برای کسب آزادی و رهائی ملی است. هواداران امپریالیسم و یا نافیان تئوری امپریالیسم طبیعتاً نه به توسعه طلبی و سرکرده گرایی امپریالیستها برای غارت جهان و نابودی استقلال ملل معتقدند و نه به پدیده ای بنام مبارزات رهائیبخش و برای کسب و یا حفظ استقلال ملی. این جریان ارتجاعی در عمل همیشه در همه ممالک متحد امپریالیستها هستند. ما در ایران با نمونه "حزب کمونیست کارگری ایران" در همه انواع و اقسامش روبرو هستیم. همه هواداران نظریه ارتجاعی منصور حکمت همدستان امپریالیستها هستند و از تجاوزات امپریالیستی حمایت می کنند.

ترتسکیستها نیز از جمله جریان ارتجاعی هستند که بر علیه استقلال ملی قد علم کرده آنها "راستروانه" جلوه می دهند و در عمل همیشه همدست امپریالیستها و فاشیستها بوده اند.

این مقدمه را از آن جهت گفتیم تا از نظر واقعیتهای موجود روشن کرده باشیم که چرا بخشی از بورژوازی این ممالک در مقابل تهاجم و زورگویی امپریالیستها مقاومت می کنند. رژیم حاکم چاوز در ونزوئلا از این زمره رژیمهاست. این رژیم نماینده پرولتاریای ونزوئلا نیست ولی سیاستی را در پیش گرفته است بخشا در جهتی است که خواست پرولتاریا نیز به حساب می آید. در عوض امپریالیستها می کوشند ونزوئلا را به مستعمره رسمی خویش بدل سازند. با راه انداختن اعتصابات ارتجاعی و به نفع امپریالیسم، با انجام کودتای نظامی که هر بار با مقاومت سرسختانه مردم در هم شکسته شده است تلاش کرده اند حکومت چاوز را سرنگون کنند. همین نفس شکست امپریالیستها در ونزوئلا، موجی از مبارزه ضد امپریالیستی در امریکای لاتین بوجود آورده است که توده های مردم را به خیابان می آورد. ما با این مبارزات در برزیل و مکزیک و آرژانتین و... روبرو بوده ایم.

در صفوف جنبش مارکسیست لنینیستی در نتیجه برخورد به پدیده ونزوئلا اختلافی بروز کرد. حزب "پرچم سرخ" که سابقاً در مواضع مارکسیستی لنینیستی قرار داشت در کنار نیروهای تروتسکیستی و ارتجاعی بیاری امپریالیستها و الیگارشی ونزوئلا رفت و تلاش کشور ونزوئلا را برای حفظ استقلال ملی به فراموشی سپرد. این حزب عملاً به چرخ پنجم امپریالیستها بدل شد. جنبش جهانی مارکسیستی لنینیستی نمی توانست وجود چنین دمل چرکینی را در درون خود تحمل کند و به گمراهی بسیاری کمونیستهای صدیق ونزوئلا یاری رساند. سکوت توام با رضایت و یا سکوت حساب شده می توانست به حیثیت مارکسیست لنینیستها بویژه در امریکای جنوبی لطمه بزند. نشست عمومی احزاب م-ل جهانی تصمیم گرفت نه تنها این حزب را پس از بحثها و تلاشهای فراوان برای نجاتش از صفوف خود اخراج کند، بلکه مبارزه نظری مهمی را نیز علیه وی در ونزوئلا سازمان داده به کارگران و زحمتکشان ونزوئلا بگوید که این جریان کوچکترین قربانی با م-ل ندارد.

برای مارکسیست لنینیستها آنچه مهم است اعتقادات نظری است و نه آن نوع "انترناسیونالیسم پرولتری" که بر هیچ زمینه علمی متکی نباشد. چنین "انترناسیونالیسم پرولتری" یک زد و بند مافیائی است که با مارکسیسم لنینیسم قربانی ندارد. همبستگی جهانی تنها بین مارکسیست لنینیستها مستقر است و نه با دشمنان مارکسیست لنینیست. این بنظر ما نوع درست برخورد کمونیستی است.

رویزونیستها ولی نوع برخورد دیگری دارند. آنها بخاطر دشمنی با مارکسیسم لنینیسم همواره با بحثهای ژورنالیستی، لیبرالی و اتکاء به فرمالیسم تلاش میکنند از زیر بار رهنمود خاص و بیان نظریات روشن بخاطر آگاهی توده های مردم فرار کنند. با جمله پردازیهایی کلی و نامفهوم و قطار کردن واژه های بی ربط می کوشند که از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند. خواننده نشریات آنها آخر نمی فهمد که در شرایط مشخص کنونی چه کاری را در عمل باید انجام دهد.

نمونه این امر را ما در عراق می بینیم. حزب رویزونیست عراق که برادر توامان حزب توده ایران است اشغال عراق را توسط قوای اشغالگر امپریالیستی مورد تائید قرار داده و آنها مثبت ارزیابی می کند. این حزب خیانتکار با حکومت دست نشانده عراق همدست است و می خواهد به یک حکومت استعماری و پوشالی دست نشانده چاشنی "کمونیستی" بزند. رژیم حاکم در عراق جرات ندارد از منطقه امن آمریکائی نشین بیرون بیاید. این رژیم پوشالی خواهان ترک قوای اشغالگر از کشورش نیست و برعکس از اربابش می خواهد تا در عراق باقی بماند و آنها را از ترس انتقام مردم حفظ کند. این رژیم پوشالی دو روز نیز بدون ارتش اشغالگر خارجی نمی تواند در عراق بر سر پا بماند. چنین ننگ عظیمی را توده ایهای عراقی با جان خریدند و به آن افتخار می کنند. آنها در تمام انتخابات قلابی شرکت کردند و به مردم دروغ گفتند. آنها مبارزه مشروع و انقلابی نیروهای مقاومت را که جسورانه برای آزادی کشورشان از دست قوای بیگانه مبارزه می کنند ما نند گماشتگان سی. آی. ا. تروریست می خوانند و بجای مبارزه با قوای استعمار علیه مردم عراق مبارزه می کنند. چنین لکه ننگی، خود را کمونیست نیز جا می زند. مضحک وضعیت احزاب رویزونیست است که از خجالت دم فرو بسته و فقط به تکرار سخنان حزب خود فروخته رویزونیستهای عراقی مشغولند. آنها حاضر نیستند این عامل امپریالیست و مدافع استعمار را از صفوف خود اخراج کنند. وقتی توده های رده پائین این احزاب به این روش معترض می شوند و می خواهند که از مبارزه مردم عراق حمایت شود، این احزاب رویزونیست و از جمله حزب توده ایران به این بهانه که ما نظر حزب برادر را در چارچوب مناسبات دوگانه و "انترناسیونالیسم پرولتری" بیان می کنیم از زیر بار موضعگیری مشخص فرار می کنند.

این تفاوت در برخورد میان نیروهای انقلابی و نیروهای ضد انقلابی است. مسلماً در فردای پیروزی مردم عراق که فرا خواهد رسید مردم قهرمان عراق به حساب این خائن رسیدگی خواهند کرد.

حال به سندی که حزب توده ایران در دفاع از یک حزب وابسته به امپریالیسم و استعمار تحت نام مصاحبه "نامه مردم" با رفیق سلام علی یکی از رهبران این حزب در روز ۲ آبان منتشر کرده است توجه کنید.

"رفراندم قانون اساسی دائمی عراق، در روز ۲۳ مهرماه، در شرایطی، که اکثر مناطق جنوبی و مرکزی کشور در چنگال تروریسم کور و اشغال ارتش های بیگانه زخم های عمیقی را تحمل کرده است، برگزار شد. به گزارش خبرگزاری های جهان بیش از ۶۳ درصد از مردم عراق در این رفراندوم شرکت کردند و این به نوبه خود، در شرایطی که روزانه ده ها نفر از مردم بیگانه توسط بمب ها و شلیک تفنگ های مرگبار تروریست ها به قتل می رسند، نشان از عزم زحمتکشان عراق و نیروهای سیاسی میهن دوست و مردمی این کشور برای جا انداختن روند سیاسی، به عنوان تنها راه ممکن برای نجات عراق از موقعیت دشوار و بفرنج کنونی در شرایط موجود است". اگر امضای حزب توده ایران در زیر آن نبود هر خواننده ای فکر می کرد که این نقل قول از دیک چینی و یا دونالد رامزفلد است.

رفیق سلام علی، عضو کمیته مرکزی و سخنگوی حزب کمونیست عراق اخیراً در این باره اظهار داشت: "اگر شما یکجانبه به اوضاع نگاه کنید، همه چیز سیاه و تیره و تار است، و ایالات متحده به هدف خود خواهد رسید." اما چنین ارزیابی بی به باور او "تقشه سیاسی عراق را در نظر نمی گیرد." رفیق سخنگوی حزب برادر در ملاقاتی که اخیراً با نمایندگان کمیته مرکزی حزب مان داشت، به ابعاد گوناگون مبارزه هدفمند سیاسی نیروهای مردمی و مترقی عراق در جهت تامین نقش مردم در تعیین مسیر آینده این کشور و رفع اشغال آمریکا از آن اشاره کرد. رفیق سلام علی متذکر شد که بسیاری از نیروهای جزم اندیش و افراطی از درک هدفمندی این

کوشش‌ها و ثمربخشی آن در مبارزه دشوار مردم عراق عاجزند. در جریان این ملاقات موازنه نیروهای سیاسی در عراق و احتمال برخی صف بندی‌های ائتلافی جدید در انتخابات آتی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.“

ظاهراً آقای سلام علی یکجانبه به مسایل نگاه نمی‌کند و بهمین جهت نیز برخلاف نظریه همه کارشناسان منطقه و جهان اعتقادی ندارد که اوضاع تیره و تار است. وی از امپریالیست اشغالگر آمریکا که با دروغ برای اشغال خاک عراق آمده است سخنی نمی‌راند و طوری اظهار نظر می‌کند که گویا امپریالیستها برای نجات مردم عراق آمده و هدفشان استقرار دموکراسی در عراق است. برای ایشان و حزبشان امپریالیست آمریکا وجود خارجی ندارد آنچه وجود خارجی دارد دولت آمریکاست. گویا آنها پس از رسیدن باین اهداف خاک عراق را داوطلبانه ترک خواهند کرد. این مدعی کمونیست یکبار هم از مردم عراق نمی‌خواهد که بر علیه امپریالیستهای اشغالگر بپاخیزند و ارتش اشغالگر و متجاوز را به دریا بریزند و سربازان استعمار را با هر وسیله‌ای که دارند و بدست می‌آورند به موثرترین وضعی بديار عدم بفرستند. رویزیونیستها تلاش می‌کنند تا با بازی با کلمات بی‌معنی، اساس اشغال عراق را توسط یک نیروی استعماری در پرده بگیرند. حال این نمونه را در نظر بگیرید: “به ابعاد گوناگون مبارزه هدفمند سیاسی نیروهای مردمی و مترقی عراق در جهت تامین نقش مردم در تعیین مسیر آینده این کشور و رفع اشغال آمریکا از آن اشاره کرد.“ “رفع اشغال“ فقط با مبارزه علیه اشغالگر امکان دارد و مبارزه هدفمند مردم عراق نیز باید با هدف حفظ استقلال ملی و رهائیبخش در جهت اخراج قهرآمیز دشمن ددمنش تا دندان مسلح باشد. فقط این مبارزه موثر است که اشغالگر را بیرون می‌ریزد و اشغال را مرتفع می‌سازد. ولی رویزیونیستها از “رفع اشغال“ همدستی با اشغالگر را مورد نظر دارند. آنها در جبهه مردمی نیستند که هدفمند برای رهائی عراق مبارزه می‌کنند. آنها در جبهه ضد انقلاب و استعمارگران قرار دارند و تمایلی هم به “رفع اشغال“ ندارند. خروج سربازان آمریکائی مرگ همه همدستان قوای اشغالگر در عراق است.

حزب کار ایران (توفان) همواره گفته است و باز هم تکرار می‌کند که رویزیونیست همدست امپریالیست است و بدون مبارزه علیه رویزیونیسم مبارزه علیه امپریالیسم موفق نخواهد بود. حال این برخورد کمونیستی مارکسیست لنینیستها را در ونزویلا با برخورد رویزیونیستها در عراق مقایسه کنید.

تنگ و نفرت بر خائنین به مردم و پرگوهای عوامفریب.

**بر گرفته از توفان شماره 70 ارگان مرکزی حزب کار ایران**

**[www.toufan.org](http://www.toufan.org)**  
**[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)**